



واژه‌نامهٔ

SICHER! C1.1

محمود رضا ولی‌خانی



طریقه استفاده از این واژه‌نامه

این واژه‌نامه حدود ۱۶۶۰ واژه جدید دروس ۱ الی ۶ Sicher C1.1 Kursbuch را در بر دارد. واژگان قسمت Arbeitsbuch و فایل‌های صوتی در این کتاب فهرست نشده است.

حالت جمع اسامی بلافاصله پس از اسم و پس از علامت (-) قرار گرفته است. قرار نداشتن علامت (-) پس از اسم، نشان‌دهنده این است که آن اسم در حالت جمع کاربرد ندارد.

حالت پرتیتوم و اسم مفعول (پارتیسیپ ۲) فقط جلوی «افعال بی‌قاعده» و بلافاصله پس از هر فعل دیده می‌شود. یعنی پرتیتوم و اسم مفعول افعال باقاعده درج نشده است.

حالت دستوری فعل (آکوزاتیو Akk. و داتیو D.) پس از فعل درج شده است.

حرف اضافه‌ی افعال همراه با حالت دستوری آن دیده می‌شود: (D.) *beteiligen sich (an D.)*

تلفظ لغات انگلیسی و فرانسوری در کروشه [...] قرار داده شده است.

پیشوند افعال جداشدنی با یک نقطه از بقیه فعل جدا شده است: (mit.kommen)

اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها (مانند Kritik üben) به این شکل درج شده است که ابتدا لغتی از آن اصطلاح (مثلاً Kritik) استخراج شده، و سپس کل آن اصطلاح دیده می‌شود. فقط معنی کل اصطلاح درج شده است. معنی کلمه استخراج شده (Kritik) و حالت جمع کلمه جداگانه دیده نمی‌شود:

die Kritik: Kritik üben

نقدورزی کردن

در کنار این علامت واژگان مربوط به کادر مطالعات منطقه‌ای (Landeskunde) در کتاب Kursbuch فهرست شده است.



در کنار این علامت، واژگان مربوط به کادر توصیه‌های مفید برای یادگیری بهتر در کتاب Kursbuch فهرست شده است.



این علامت مربوط به قسمت پاورقی کتاب Kursbuch است.



محمود رضا ولی‌خانی

وی متولد ۱۳۵۵ در تهران است. او پس از مجموعاً ده سال تحصیل در ایران و آلمان، در ۳ رشته مترجمی زبان آلمانی، آموزش زبان آلمانی، زبانشناسی زبان آلمانی از سال ۱۳۸۸ تا کنون به تدریس، تحقیق، تألیف و ترجمه اشتغال دارد.

او پس از پایان دوره چهارساله کارشناسی در رشته مترجمی زبان آلمانی دانشگاه اصفهان به آلمان رفت و از ابتدا به مدت شش سال در مقطع مگیستر (کارشناسی ارشد پیوسته) رشته‌های آموزش زبان آلمانی (رشته اصلی)، زبان‌شناسی آلمانی و علوم سیاسی (رشته‌های فرعی) در دانشگاه‌های مونیخ و سپس دانشگاه آگسبورگ به تحصیل پرداخت و با موفقیت به پایان رسانید.

LEKTION 1

Erste Seite – Seite 13

1	aus.geben (Akk.)	خرج کردن
	Granada	نام شهری در اسپانیا
	das Konsumverhalten	رفتار مصرف کننده
	das Persönliche	اطلاعات فردی
	die Zwillingsschwester, -n	خواهر دوقلو
2	die Quizfrage, -n	سؤال اطلاعات عمومی
	wohl	احتمالاً
	raten (Akk.), riet, hat geraten	حدس زدن
	die Frage: eine Frage stellen	سؤالی را مطرح کردن


Sprechen – Seite 14

1	aus.sehen, sah aus, hat ausgesehen	به نظر آمدن
	der Wandel	دگرگونی
2	alles in allem	مجموعاً، در کل
	an.fertigen (Akk.)	درست کردن

der Aspekt, -e	جنبه
auffällig	(اینجا:) جالب توجه
auf.greifen (Akk), griff auf, hat aufgegriffen	(به یک موضوع) پرداختن
aus.probieren (Akk.)	امتحان کردن، تست کردن
befassen sich (mit D.)	پرداختن (به)
das Beispiel: am Beispiel (Genitiv)	در نمونه‌ی
die Beschreibung, -en	شرح، توصیف
betrachten (Akk.)	زیر نظر گرفتن، مشاهده کردن
bezüglich (Präp. + Gen.)	در ارتباط با
dar.stellen (Akk.)	نشان دادن، شرح دادن
die Einführung, -en	مقدمه
das Fazit, -e	نتیجه‌گیری
das Feedback, -s	بازخورد
fest.halten (Akk.), hielt fest, hat festgehalten	نتیجه گرفتن
die Formulierung, -en	جمله‌بندی
führen (zu D.)	منجر شدن (به ...)
gegenseitig	متقابلاً
gliedern (Akk.)	بخش‌بندی کردن
halten: einen Vortrag halten	سخنرانی کردن
das Kommunikationsverhalten	رفتار ارتباطی
die Kontaktpflege	نگهداری روابط

der Kurzvortrag, ..-e	سخنرانی کوتاه
das Lebenstempo, -s	سرعت گذشت عمر
die Mediennutzung	استفاده از رسانه
die Partnerschaft, -en	همزیستی زن و مرد
die Rollenverteilung, -en	تقسیم وظایف، تقسیم نقش‌ها
sammeln (Akk.)	جمع‌آوری کردن
sinnvoll	مفید، معقول
schildern (Akk.)	شرح دادن
der Stichpunkt, -e	نکته اصلی، کلمه کلیدی
stoppen (Akk.)	(وقت) اندازه‌گیری کردن
übernehmen (Akk.), übernahm, hat übernommen	تقبل کردن
die Veränderung, -en	تحول
vergleichbar	قابل مقایسه
verglichen (mit D.)	در مقایسه با ...
Verhältnisse (nur Plural)	شرایط (فقط جمع)
vor.gehen, ging vor, ist vorgegangen	پیش رفتن، عمل کردن
der Vorredner, -	سخنران اول
zu viert	چهار نفری
zunächst	ابتدا

1	absolut	کاملاً
	das Display, -s	صفحه نمایش
	möglich	محتمل
	die Nachricht, -en	خبر
	ständig	مداوم
	subjektiv	نظری، ذهنی
	wahrscheinlich	شاید
2	abwesend	غایب
	die Aufmerksamkeit schenken (Dat.)	(به کسی) توجه کردن
	das Bedürfnis, -se	احتیاج، نیاز
	der Begriff, -e	اصطلاح
	der Bonner, -	اهل شهر بن
	der Forscher, -	محقق
	das Gesetz, -e	قانون
	handeln sich (um Akk.)	موضوع در مورد ... بودن
	der Handykonsum	استفاده از موبایل
	die Handymanie	اعتیاد به موبایل
	kontaktieren (Akk.)	تماس گرفتن
	das Mittel, -	وسیله، ابزار
	das Navigationssystem, -e	سیستم راهیابی
	der Radiobeitrag, ..-e	متن رادیویی
	regeln (Akk)	نظم دادن، سروسامان دادن

	schwitzen	عرق کردن
	die Sucht	اعتیاد
	das Symptom, -e	نشانه (ی بیماری)
	der User, - [ˈjuːzɐ]	کاربر
	verlieren sich (Akk.), verlor sich, hat sich verloren	راه را گم کردن
	verstehen (unter D.)	(از ...) درک کردن
	entnehmen (Akk.), entnahm, hat entnommen	استخراج کردن

Lesen 1 – Seite 16-17

1	die Beschleunigung	شتاب
	die Rastlosigkeit	بی‌قراری، اضطراب
	teilen (Akk.)	(اینجا): به یک اندازه درک کردن
	das Tempo	سرعت
	unaufhaltsam	غیر قابل مهار
2	a بخش	
	abbrechen (Akk.), brach ab, hat abgebrochen	قطع کردن، در نیمه راه ادامه ندادن
	das Adieu	خداحافظی
	analog zu	مطابق با
	ausleihen (D. + Akk.), lieh aus, hat ausgeliehen	قرض دادن

	beeinträchtigen (Akk.), beeinträchtigte, hat beeinträchtigt	خداشه وارد کردن، مختل کردن
die	Beeinträchtigung	خداشه، اختلال
der	Bildschirm, -e	صفحه نمایش
	dahin gehen, ging dahin, ist dahin gegangen	به آن سمت رفتن
	deren (Demonstrativpronomen)	آن‌ها (ضمیر اشاره)
das	Ende: Zu Ende lesen	تا آخر خواندن
die	Entdeckung, -en	کشف
	ergeben (Akk.), ergab, hat ergeben	نتیجه دادن، نشان دادن
	erschöpft	خسته
die	Fähigkeit, -en	توانایی
das	Fünftel	یک پنجم
	gedruckt	چاپ شده
der	Gegensatz: Im Gegensatz zu	بر خلاف
	gegenseitig: sich gegenseitig etwas ausleihen	به همدیگر چیزی قرض دادن
	gemeinschaftlich	جمعی
	gewiss	حتماً
die	Glosse, -n	تفسیر
die	Hyperaktivität, -en	بیش‌فعالی
	immer früher	زودتر و زودتر
	immer häufiger	بیشتر و بیشتر

immer weniger	همچنان کمتر و کمترشونده
intellektuell	فکری، هوشی
die Kenntnis, -se: Etwas zur Kenntnis nehmen	(با چیزی) آشنا شدن
die Kolumne, -n	متن
komplex	جامع
die Langsam-Lesen-Bewegung, -en	جنبش آهسته خوانی
die Lebensweise, -n	شیوه زندگی
die Lektüre, -n	خواندن
die Lesemenge	مقدار خوانش
der Lesertyp, -en	تیپ خواننده، نوع خواننده
die Nahrungsaufnahme, -n namens (Präp. + Genitiv)	خوردن غذا به نام
die Quelle, -n	منبع
die Reduktion	کاهش
die Regel: In der Regel	معمولاً
die Segel: die Segel streichen	مقاومت از دست دادن، دست از کار کشیدن
sehen: Sich auf ein paar kurze Worte sehen	برای گپی کوتاه همدیگر را ملاقات کردن
so	(اینجا:) طبق گفته‌ی
solche	آن دسته، آنها
die Sorte, -n	نوع